



Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

ISSN: 2538-3795

Website: <http://ids.isri.ac.ir>

Volume : 1 ; Number : 1

Investigating the Resistance Strategy against Enemies

Habib Zamani Mahjoub*

Doi: <https://doi.org/10.22034/ids.2024.159143>

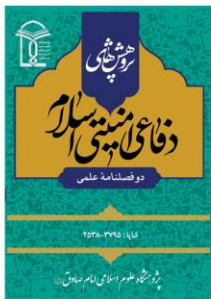
Received: 15/04/2024 - Accepted: 18/06/2024
(207-227)

Abstract

Resistance and stability in the way of Allah is the conduct of those devoted to Allah and God's order for getting rid of and defeating oppressors. The history of previous nations and people shows that those who have resisted against their enemies have finally gained victory and reached their goals.

Indeed: which factor causes the victory of resistant nations? The present research, using descriptive-analytical method, seeks to answer this question and investigate the resistance strategy against enemies. The findings show that spiritual components like faith and trust in God, hope in the promises of God, leadership and obedience to wilayah (wilayat-madari), unity, solidarity, knowledge and insight are the most important factors which influence the victory of resistant nations.

Keywords: Resistance, Nation, Divine Traditions, Spiritual Factors



*. Assistant Professor of Islamic History and Civilization, Imam Sadiq Research Institute, Qom, Iran, zamani358@gmail.com.



بازکاوای راهبرد استقامت در مقابله با دشمنان

حبیب زمانی محبوب*

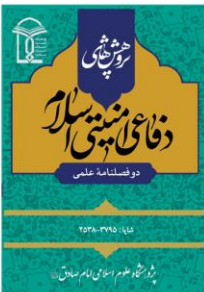
شناسه دیجیتال (DOI): <https://doi.org/10.22034/ids.2024.159143>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۸
(۲۲۷-۲۰۷)

چکیده

استقامت و پایداری در راه حق سیره اولیای الهی و دستور خداوند برای رهایی از سیطره مستکبران و غلبه بر آنهاست. تاریخ امت‌ها و اقوام پیشین نشان می‌دهد کسانی که در سختی‌ها در برابر دشمنان خود مقاومت کردند، سرانجام پیروز شده و به اهداف خویش دست یافته‌اند. آنچه حائز اهمیت است این است که چه عواملی باعث پیروزی امت‌هایی که مشی مقاومت در برابر دشمنان پیش گرفتند؛ شد؟ این پژوهش با روشی توصیفی - تحلیلی و با استناد به داده‌های تاریخی و آیات قرآنی به دنبال پاسخ به این سؤال و بازکاوای راهبرد استقامت در برابر دشمنان است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مؤلفه‌های معنوی مانند ایمان و توکل به خدا، امید به وعده‌های الهی، رهبری و ولایت‌مداری، اتحاد و هم‌بستگی و شناخت و بصیرت، از مهم‌ترین عوامل مؤثر جهت برون رفت و پیروزی جوامع اسلامی استقامت‌کننده از سیطره نظام سلطه است.

واژگان کلیدی: استقامت، امت، سنت‌های الهی، عوامل معنوی.



مقدمه

در طول تاریخ دو جبهه حق و باطل در برابر یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند و این رویارویی همواره مشکلات فراوانی را برای جبهه حق به دنبال داشته است؛ چنان‌که در شرایط فعلی، جهان اسلام فشارهای همه‌جانبه‌ای را از سوی دشمنان مستکبر متحمل می‌شود. در این میان، برخی مقاومت در برابر دشمنان را بی‌نتیجه و عامل فشار بیشتر دشمن می‌پندارند، و عده‌ای، استقامت را رمز پیروزی و راه برون‌رفت از فشارهای دشمنان برمی‌شمارند.

پرسش این است که: استقامت چرا و چگونه راهبردی اساسی در مقابل دشمنان است؟ و چه عواملی به پیروزی امت‌های استقامت‌کننده می‌انجامد؟

آیات و روایات فراوانی بر لزوم پایداری و مقاومت تأکید کرده و مسلمانان را به آن فرا خوانده‌اند. همچنین حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری دامت‌ت‌عالیها با الهام از قرآن و سنت به این مهم توجه خاص کرده و بر استقامت و پایداری تأکید ورزیده‌اند. براین اساس، و باتوجه‌به افزایش شدید فشارهای دشمن و لزوم استقامت مردم، ضرورت دارد این مسئله بررسی و تبیین شود.

تاکنون پژوهش مستقلی درباره راهبرد استقامت و پایداری در برابر دشمنان انجام نشده است و تنها چند اثر به صورت اجمالی به این موضوع پرداخته‌اند: ۱. مجموعه مقالات برگزیده همایش محمد، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم: استقامت و پایداری، که مرکز مطالعات بسیج در سال ۱۳۸۵ آن را تهیه کرده است. مقالات این کتاب صرفاً به استقامت و پایداری مسلمانان در دوره رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم آن هم از جنبه تاریخ سیاسی پرداخته است. ۲. سلوک عاشورایی، منزل پنجم: استقامت و پایداری، اثر مجتبی تهرانی. این اثر حاصل سخنرانی‌های ایشان است که موضوع استقامت و پایداری را صرفاً در نهضت امام حسین علیه السلام تبیین کرده است. ۳. استقامت اثر سیدرضا صدر، که حاصل سخنرانی‌های ایشان و به‌صورت کلی به موضوع استقامت پرداخته است. ۴. در جلد اول عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس نیز به نقش استقامت و پایداری در پیروزی رزمندگان اشاره شده است.

مقاله پیش روی در سه بخش ۱. مفهوم‌شناسی و چهارچوب نظری و مبانی تحقیق

۲. عوامل پیروزی استقامت‌کنندگان و درنهایت ۳. راهکارهای افزایش روحیه استقامت و پایداری در جامعه اسلامی ایران به این موضوع پرداخته است.

مفهوم‌شناسی

سنت‌های الهی

سنت در لغت به معنای راه و روش، قانون، آیین، رسم، شریعت و نهاد آمده است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۲۲۶؛ طریحی، ۱۴۱۴، ج ۲: ذیل سنّ؛ دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۸: ذیل سنت). سنت در قرآن به معنای طریقه و رویه (قریشی، ۱۳۷۸، ج ۳: ک ۳۴۲). و در اصطلاح فقهی قول، فعل و تقریر پیامبر ﷺ است (طریحی، ۱۴۱۴، ج ۲: ذیل سنن) البته شیعیان قول و فعل و تقریر امامان معصومین را نیز همانند سنت نبوی حجت می‌دانند.

سنت‌های الهی شامل ضوابطی است که در افعال الهی وجود دارد، یا قوانین علی و معلولی حاکم بر جامعه، تاریخ و تحولات آن‌هاست که خداوند امور عالم و آدم را بر پایه آن‌ها تدبیر و اداره می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۴۲۵ و ۴۳۵).

استقامت

استقامت، برگرفته از واژه «قَوْم»، و به معنای طلب قیام از هر چیز است (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۱: ۷۷-۸۱). به نوشته راغب اصفهانی، استقامت درباره راهی هموار است که راه حق به آن تشبیه شده است... و استقامت انسان، یعنی متعهد بودن او در راه مستقیم. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۹۲).

استقامت و واژه‌های مترادف آن، چون پایداری و استواری و ثبات قدم، یک حقیقت را تعقیب می‌کنند و آن ایستادن و باقی ماندن بر مسئله‌ای تا رسیدن به هدف یا اهداف مورد نظر است.

چهارچوب نظری و مبانی تحقیق

یکی از سؤال‌های اساسی و مهم در فلسفه نظری تاریخ، که به اختلاف نظر فراوان فیلسوفان

۱. سنت به معنای آداب و رسوم پیشینیان، امروزه بیشتر در مقابل «مدرنتیه» به کار می‌رود.

تاریخ انجامیده، عوامل مؤثر در حرکت تاریخ است. حرکت و پویایی تاریخ چگونه صورت می‌گیرد؟ به جبر است یا تصادف؟ آیا تاریخ بشری قوانینی حاکم بر سیر حرکت و تحول آن دارد؟ مهم‌ترین دیدگاه‌ها و نظریات در این باره عبارتند از:

۱. نظریه عوامل جغرافیایی ۲. نظریه قهرمان‌گرایی یا اصالت شخصیت ۳. نظریه عامل نژادی ۴. نظریه جبر اجتماعی (اصالت اجتماع)، ۵. نظریه عامل اقتصادی (جبر اقتصادی)، ۶. نظریه وجودی یا اگزیستانسیالیسم (مفتخری، ۱۳۹۰: ۲۱؛ کافی، ۱۳۹۳: ۶۲). در ادامه با اشاره به نظریات مزبور به تبیین دیدگاه‌های اسلام در این باره می‌پردازیم.

نظریه عوامل جغرافیایی را شخصیت‌های برجسته‌ای چون: «آگوستین»، «آکوئیناس» و «ابن خلدون» پذیرفته‌اند و از متأخرین نیز شخصیت‌های مطرحی چون «مونتسکیو» از طرف‌داران این نظریه‌اند. (مونتسکیو، بی‌تا: ۳۱۷-۳۳۴؛ ابن خلدون، ۱۳۵۹: ۸۸، ج ۲: ۷۲۲). این نظریه مدعی است عوامل جغرافیایی مانند آب، خاک و هوا، محیط‌های طبیعی و اقلیم‌های خاص، از اصلی‌ترین عوامل تشکیل‌دهنده جامعه و تاریخند. (هگل، ۱۳۳۶: ۲۱۰-۲۱۴)

نظریه قهرمان‌گرایی (اصالت شخصیت) را «کارلایل»، فیلسوف و مورخ انگلیسی، بنیان نهاده است و از جمله طرف‌داران مطرح آن می‌توان به: «جان استوارت میل»، «آرنولد توین‌بی»، «فرانسیس بیکن»، «نیچه» و «هگل» اشاره کرد. (مجتهدی، ۱۳۸۵: ۱۵۲؛ هیپولیت، ۱۳۸۶: ۴۰). به نظر ایشان، تاریخ هر قوم جلوه‌گاه شخصیت و نبوغ یک یا چند قهرمان نابغه است^۱ و سایر مردم در واقع مصرف‌کننده اندیشه آنان هستند و در پی آنان حرکت می‌کنند. (ویل دورانت، ۱۳۸۷: ۲۴۰). براساس این نظریه، تاریخ و تحولات و تطورات تاریخ را چه از نظر علمی، چه از نظر سیاسی، اقتصادی، فنی و یا اخلاقی، نوابغ پدید می‌آورند (کریمی، ۱۳۶۱: ۶۴).

۱. به نظر کارلایل ده شخصیت و قهرمان، سازنده تاریخ و تعیین‌کننده مسیر آن در طول تاریخ بوده‌اند که یکی از آنها پیامبر اسلام ﷺ است. تاریخ اسلام جلوه‌گاه شخصیت رسول اکرم ﷺ است. از نظر وی، تاریخ جدید فرانسه جلوه‌گاه شخصیت ناپلئون، و تاریخ شوروی، جلوه‌گاه شخصیت لنین است (کارلایل، بی‌تا: ۲۲).

در معرفی نظریه عامل نژادی، «اشپنگلر» و «نیچه» نقش اساسی داشتند. به عقیده آنان، تنها بعضی نژادها استعداد تمدن و فرهنگ‌آفرینی دارند. آن‌ها بر مسئله اصالت خون برای پیشوایی تأکید می‌کردند. (کریمی، ۱۳۶۱: ۶۲؛ مطهری، ۱۳۷۰، ج ۱: ۶۰-۷۰) پس از آن، هیتلر با بیان این عقیده در کتاب نبرد من نژاد آریا را برتر دانست و سپس اعلام کرد: «چون تمدن آریایی برتر است باید آن را بر جهان حاکم کرد.» خلاصه این نظریه آن است که عامل اساسی پیش‌برنده تاریخ، برخی نژادها هستند؛ به این معنا که بعضی نژادها استعداد تمدن‌آفرینی و فرهنگ‌آفرینی دارند و بعضی دیگر چنین استعدادی ندارند.

صاحبان نظریه جبر اجتماعی بیش از هر عامل دیگری، خود جامعه و اجتماع را عامل پیدایی تمدن و تحولات اجتماعی می‌دانند. به عقیده آن‌ها فردفرد انسان‌ها نمی‌توانند تاریخ و تمدن بسازند؛ بلکه جمع اراده‌ها و مشارکت آن‌ها حقیقتی به نام اجتماع به وجود می‌آورد که می‌تواند تاریخ‌ساز، تمدن‌ساز و جامعه‌ساز باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۴۷).

نظریه عامل اقتصادی، یکی از شایع‌ترین نظریه‌های قرون اخیر است. که «کارل مارکس» و به‌طورکلی مارکسیست‌ها و عده‌ای از غیر مارکسیست‌ها، طرف‌داران آن هستند. آن‌ها عامل اقتصادی را عامل اصلی پیدایی و تحولات صورت‌های مختلف جامعه می‌دانند؛ و موتور محرک تاریخ را اقتصاد و تکامل ابزار و روابط تولید معرفی می‌کنند. به اعتقاد مارکس، تاریخ را اقتصاد به وجود می‌آورد و اقتصاد را هم ابزار تولید، که این همان مادی‌گرایی تاریخی است. به عقیده آن‌ها علم، هنر و دین در پرتو اقتصاد تحقق می‌یابد و بنای اقتصادی، پایه واقعی روبناهای قانونی، اخلاقی، دینی و اندیشه‌ای است. (ر.ک. مارکس، ۱۳۸۶:) از این رو، برای فهم تحولات یک اجتماع و بررسی جوانب گوناگون یک تمدن باید مؤلفه‌های اقتصادی - یعنی کار، سرمایه، نظام تولید و توزیع و ... را بررسیید.

نظریه وجودی یا اگزیستانسیالیسم موضوع اعتقاد و جهان‌بینی فلسفی رایج امروز غرب در زمینه تاریخ است. براساس این نظریه وجود مقدم بر ماهیت است و انسان موجودی است درون‌گرا که به وجود خود پناه می‌برد. (سارتر، ۱۳۵۸: ۲۰ و ۲۶) همچنین، امور جهان و سیر تاریخ به گونه‌ای خواهد بود که بشر تصمیم می‌گیرد (سارتر، ۱۳۸۵: ۴۶).

فلسفه نظری تاریخ از دیدگاه اسلام

با وجود طرح نظریه‌های بیان‌شده درباره فلسفه نظری تاریخ، نظریه‌ای را نیز اسلام، برگرفته از قرآن، در این موضوع بیان کرده که پژوهش حاضر بر مبنای آن انجام گرفته است. از دیدگاه قرآن، حقیقتی به نام «سنت‌های الهی» عامل محرک تحولات تاریخ‌اند و نقش انسان‌ها در تاریخ نیز یکی از این سنت‌ها محسوب می‌شود (رعد: ۱۱؛ شوری: ۳۰؛ روم: ۴۱) پیدایی و زوال تمدن‌ها و جامعه‌ها و هرگونه تحولی در زندگی انسان‌ها محصول سنن الهی حاکم بر تاریخ است و هیچ حرکتی خارج از آن‌ها انجام نمی‌پذیرد (آل عمران: ۱۴۰؛ بقره: ۲۴۹). از این رو، سایر عوامل تأثیرگذار مانند عصیبت، قهرمانان، جغرافیا و اقتصاد تحت حکومت سنن الهی تأثیر می‌گذارند و کارگزار سنت‌های الهی به حساب می‌آیند.

سنت‌های تاریخی چند ویژگی اساسی دارند: ۱. الهی هستند (صدر ۱۳۸۹: ۸۵)؛ ۲. کلی، عمومی و جهان شمول‌اند؛ از این رو، اختصاص به یک منطقه، قوم و یا ملت خاص ندارند (آل عمران: ۱۳۷-۱۳۸؛ اسراء: ۷۷)؛ ۳. قابل تغییر و تبدیل نیستند (احزاب: ۶۲؛ انعام: ۳۴؛ اسراء: ۷۷؛ فاطر: ۴۳؛ فتح: ۲۳؛ یونس: ۶۳-۶۴) (ر.ک. صدر، ۱۳۸۹: ۸۳-۹۲)

سنت‌های الهی حاکم بر تاریخ، در قرآن، به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: عام و خاص (سلیمانی، ۱۳۹۲: ۱۹۵-۲۶۴) سنت‌های عام، سنت‌هایی است که تحقق آن منوط به نوع انتخاب و انگیزه‌های انسان‌ها نیست؛ بلکه خداوند در آغاز خلقت انسان، این سنت‌ها را در نظام هستی مقرر کرده است و شامل هر دو گروه حق و باطل می‌شود. برخی سنت‌های عام الهی عبارتند از: هدایت انسان توسط پیامبران (یونس: ۴۷-۴۸؛ نحل: ۳۶؛ فاطر: ۲۴)؛ سختی و رنج برای پذیرش حق (انعام: ۴۲؛ اعراف: ۹۴)؛ ابتلا و آزمایش (اراکی، ۱۳۹۰: ۴۷)؛ اجل محتوم جامعه‌ها و امت‌ها (یونس: ۴۹؛ اعراف: ۳۴)؛ امداد (مائده: ۴۸؛ انعام: ۱۶۵)؛ اِمهال (نحل: ۶۱؛ رعد: ۳۲)؛ (ر.ک. اراکی، ۱۳۹۰: ۸۷)

اما سنت‌های خاص مشروط به نوع اعمال و نیت‌های انسان‌هاست و بعد از اینکه انسان‌ها با اختیار خود مسیر حق یا باطل را برگزیدند، در موردشان جریان می‌یابد. از این رو،

سنت‌های خاص الهی در تاریخ به دو دسته تقسیم می‌شوند: سنت‌های مخصوص اهل باطل و سنت‌های مخصوص اهل حق.

یکی از مهم‌ترین سنت‌های مخصوص اهل حق سنت غلبه مؤمنان بر کافران است (انبیاء: ۱۸؛ سورا: ۲۴)، اما این سنت، تنها با ایمان آوردن یا مستضعف بودن یک قوم جریان نخواهد یافت، بلکه شروطی دارد که به‌پاخواستن جامعه مؤمن برای احیای دین و استقامت در برابر دشمنان از جمله آن‌هاست. از این‌رو، بین صبر و استقامت و ظفر و موفقیت پیوندی ناگسستگی برقرار است (صدر، ۱۳۸۹: ۷۰) هرچند استقامت و پایداری، به خودی خود، جزء سنت‌های تاریخی محسوب نمی‌شود، اگر امتی مقاومت بورزد، نصرت الهی و نتیجه موفقیت‌آمیز استقامت و غلبه اهل حق بر اهل باطل جزء سنن الهی است (ر.ک. انعام: ۳۴). در واقع، با استقامت و پایداری، زمینه را برای تحقق فعل خداوندی و نصرت الهی پدید می‌آورند (قصص: ۵؛ الاسراء: ۸۱؛ هود: ۵۸ و ۹۴؛ الاعراف: ۷۲ و ۹۶). یعنی هر قومی در هر دوره تاریخی، در مسیر حق حرکت کند و در این مسیر استقامت ورزد، براساس سنت قطعی الهی، تأیید و یاری خداوند شامل آنان خواهد شد؛ چراکه تحقق سنت‌ها و وعده‌های الهی حتمی است و تغییر و تبدیل در آن‌ها راه ندارد. (فاطر: ۴۲-۴۳؛ فتح: ۲۲-۲۳)؛ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۲۸۹) مقام معظم رهبری دامت‌الله در این باره می‌فرماید:

اگر سختی‌ها را تحمل کردید، خدای متعال درهای فَرَج را خواهد گشود... خدای متعال، به برکت مجاهدت و به شرط ایستادگی، بیرون از دایره محاسبه معمولی عقول بشری، درها را باز و راه‌ها را هموار می‌کند. (سخنرانی در تاریخ ۱۳۶۰/۵/۲۹)

براساس این سنت الهی، استقامت و موفقیت، رابطه‌ای خاص دارند؛ بدین صورت که هرگاه مؤمنان مقاومت ورزند، به، پیروزی دست خواهند یافت (بقره: ۱۵۳ و ۲۴۹؛ انفال: ۴۶ و ۶۶). ولی هرگاه از این اصل مهم غفلت نمایند، قطعاً نتیجه‌ای جز شکست نخواهد داشت.^۱

۱. خداوند در آیات متعددی به این حقیقت اشاره کرده است:

وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولًا مِنْ قَبْلِكَ فَصَبْرُوا عَلٰی مَا كُذِّبُوا وَأَوَدُّوا حَتَّىٰ آتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللّٰهِ ←

مقام معظم رهبری ع می‌فرماید:

من به‌عنوان انسانی که در جریان مسائل کشور، از اول انقلاب تا حالا، از نزدیک بوده‌ام، عرض می‌کنم پیشرفت‌های ما در همه‌جا، ناشی از ایستادگی و استقامت بر پایه ارزش‌ها بوده است؛ هر جا که استقامت کردیم و بر مبانی خودمان پافشاری کردیم و از آن کوتاه نیامدیم و در مقابل تهدیدها خودمان را نباختیم، آنجا پیشرفت کرده‌ایم. این ایستادگی و پایداری، مهم‌ترین چیزی است که ما می‌توانیم آن را وسیله قرار دهیم برای رسیدن به اهدافمان. (سخنرانی در تاریخ ۱۳۸۳/۶/۳۱)

نکته مهم این که همان‌گونه که برای رسیدن به یک هدف، استقامت لازم است، پس از رسیدن به هدف، برای نگه‌داری آن، نیز استقامت ضرورت دارد (صدر، بی‌تا: ۹). برای اقامه حق به چهار چیز نیاز است: نخست، تشخیص حق از باطل؛ دوم، شناخت راهی که انسان را به هدف برساند، یعنی راه مستقیم؛ سوم، حرکت در مسیر و چهارم، پایداری و استقامت در این مسیر. گاهی ممکن است حق را از باطل تشخیص ندهیم؛ گاه حق را تشخیص بدهیم، ولی راه را نشناسیم، گاهی نیز حق را بشناسیم، راه مستقیم را هم بیابیم، ولی در آن مسیر حرکت نکنیم. گاه نیز ممکن است حتی در مسیر مستقیم حرکت کنیم، اما در میانه راه درجا بزنیم و تا آخر ایستادگی نکنیم، پس برای اقامه حق هر یک از این چهار شرط لازم است؛ ولی شرط نهایی، یعنی استوار ماندن در راه هدف و پایداری و استقامت، مهم‌تر است؛ چراکه حلقه نهایی است و در صورت غفلت از آن تمام تلاش‌های پیشین نیز به هدر می‌رود (تهرانی، ۱۳۹۰: ۴۳-۴۴).

→ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبِيِّ الْمُزَسِّلِينَ (انعام: ۳۴) پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند؛ و در برابر تکذیب‌ها، صبر و استقامت کردند؛ و [در این راه] آزار دیدند، تا هنگامی که باری ما به آن‌ها رسید. [تو نیز چنین باش! و این، یکی از سنت‌های الهی است؛] و هیچ چیز نمی‌تواند سنن خدا را تغییر دهد؛ و اخبار پیامبران به تو رسیده است.

- إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفَامُوا تَنْزِيلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْبَشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (فصلت: ۳۰) به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: «ترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است!

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَاطِبُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (آل‌عمران: ۲۰۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [در برابر مشکلات و هوس‌ها،] استقامت کنید! و در برابر دشمنان [نیز]، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید!

مقام معظم رهبری دامت‌السلام در این باره می‌فرماید:

آن ملت‌ای موفق می‌شود که بر سر حرف حق خود بماند... آن ملت‌ای موفق می‌شود که مردمش معرفت و ایستادگی خود را تا آخر حفظ کنند... (سخنرانی در تاریخ ۱۳۸۰/۸/۱۰) شروع چیز مبارکی است، اما کافی نیست. وقتی استقامت ورزیدید، در راهی پای فشردید و آن را استمرار دادید، ارزش آن مضاعف می‌شود (سخنرانی در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۱۷).

نکته دیگر اینکه استقامت، که از عالی‌ترین صفات می‌باشد (صدر، بی‌تا: ۹)، عبارت است از آنکه انسان با تفکر و مطالعه، بدون دخالت احساسات و تعصبات باطل، درستی مطلبی را دریابد و برای رسیدن به آن یا حفظ آن پافشاری و پایداری می‌کند (صدر، بی‌تا: ۳۴-۳۵)؛ یعنی اگر کسی در راه رسیدن به هدف نامشروع و نامعقول و باطل پافشاری کند، این استقامت نیست، بلکه لجاجت است و از بدترین صفات و سبب گمراهی و ضلالت است. (صدر، بی‌تا: ۲۴۸-۲۴۹) از این رو، هرگونه استقامت و پایداری ستودنی نیست، بلکه استقامت در راه حق ارزش دارد و نه اصرار در راه باطل (صدر، بی‌تا: ۴۴).

نکته نهایی اینکه: گمان نرود استقامت باید با خشونت و سختی همراه باشد. اگر شخص مقاوم و پایدار را به کوه تشبیه می‌کنند، به دلیل پایداری‌اش در برابر توفان‌ها و حوادث است، نه صرفاً برای سختی آن. رسول‌گرامی اسلام، که جلوه بارز استقامت است، ملایم‌ترین اخلاق را داشت و ملایمت و مهربانی ایشان از مهم‌ترین عوامل موفقیت به حساب می‌آمد (آل عمران: ۱۵۴). پس: استقامت باید با متانت و تدبیر همراه باشد، تا انسان را به موفقیت برساند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۸: ۶۰-۶۱؛ صدر، بی‌تا، ۲۷)

عوامل موفقیت استقامت‌کنندگان

۱. ایمان به خدا

ایمان، سلاح مقاومت و بزرگ‌ترین عامل پیروزی بر مشکلات محسوب می‌شود (آل عمران: ۱۳۹) مؤمنان حقیقی، تا هنگامی که در پناه اعتقاد خویش باشند، در برابر هیچ قدرتی

هراسناک، و در برابر ظالمان تسلیم نمی‌شوند؛ زیرا می‌دانند که موفقیت و سربلندی از آن جبهه حق و ایمان است (منافقون: ۸).

خداوند متعال در آیات متعددی به این موضوع اشاره کرده است که به نمونه‌هایی چند می‌پردازیم:

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۳۹)؛ و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید، اگر ایمان داشته باشید!»

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... (نور: ۵۵)؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد...»

مقام معظم رهبری علیه‌السلام ایمان را مظهر مقاومت ملت ایران دانسته (۱۳۸۰/۰۸/۱۰) و می‌فرماید:

... بدون تردید مقاومت با پیروزی همراه است. این مقاومت وقتی با ایمان باشد، ادامه پیدا خواهد کرد. لذا می‌گوییم و همیشه گفتیم که ایمان همراه با مقاومت، به دنبالش پیروزی است. مراد ما فقط ایمان دینی هم نیست؛ ایمان به هر اصلی. البته، اگر ایمان دینی باشد، آن وقت خدای متعال وعده کرده است که همه قوانین طبیعت و تاریخ در خدمت این مقاومان قرار خواهد گرفت: «أَمْ مِّنْ كَآئِنٍ يَّرِيدُ الْعَاجِلَ أَمْ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ...» (سخنرانی در تاریخ ۱۳۸۲۵/۷/۲۱).

خداوند متعال در قرآن تصریح فرموده که مؤمنان را به سبب ایمان و توکلشان در زندگی دنیا استوار و ثابت‌قدم می‌سازد (احقاف: ۱۳). کسانی که ایمان و توکلشان به خداوند است، از کسی جز او نمی‌هراسند؛ به همین سبب در برابر ستمگران و مخالفان حق می‌ایستند و هرگز حیات معنوی خود را فدای حیات مادی نمی‌کنند (عبدالحمیدی، ۱۳۹۱: ۷۷).

۱. (اسراء: ۱۸): آن کس که [فقط] زندگی زودگذر [دنیا] را می‌طلبد، آن مقدار از آن را که بخواهیم - و به هر کس اراده کنیم - می‌دهیم.

۲. امید به وعده‌های الهی

امید از جمله عوامل معنوی افزایش روحیه است که، نیروی استقامت و پایداری را تقویت می‌کند. با استقامت می‌توان امیدوار بود، و با امید، پایدار. کسی که از رسیدن به مقصود نومید شود و دارای استقامت نباشد، مشکلات کوچک نیز در نظرش غیر قابل حل می‌آید و موانع را غیر قابل تسخیر می‌پندارد. ولی او که استقامت دارد، هر مشکلی را به آسانی قابل حل می‌داند و موانع را بسیار کوچک و نابودشدنی می‌انگارد. پس نتیجه‌نومیدی، سستی و مرگ است و نتیجه امید، استقامت و حیات.

بهترین مرجع امید انسان‌ها خداوند متعال است که یاری‌بخشی خویش به استقامت‌کنندگان را به مؤمنان وعده داده است. از این‌رو، استقامت و پایداری در راه حق نیازمند یادآوری وعده‌های الهی است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۸۴۲)؛ چراکه آنچه را خداوند سبحان وعده کرده، هم حق است و هم به صورت قطعی محقق می‌شود و خداوند این مفهوم را بارها به صراحت ذکر کرده است (روم: ۶۰؛ غافر: ۵۵، ۷۷). خداوند سرنوشت شوم کسانی را که در مقابل سلطه کفار تسلیم می‌شوند، به روشنی بیان می‌کند و بی‌درنگ وعده می‌دهد که ننگه‌دارنده و یاری‌بخش کسانی خواهد بود که ایستادگی کنند و برضد دشمنان به پا خیزند (آل عمران: ۱۴۰-۱۵۰). به فرموده الهی: اگر خدا شما را یاری دهد، مُحال است کسی بر شما غالب آید؛^۱ که این از سنت‌های الهی است، اما تحقق این سنت الهی مشروط به پایمردی و ایستادگی است (آل عمران: ۱۲۴؛ محمد: ۷).

مقام معظم رهبری دامنه‌العلوه در تأکید بر نقش امید به وعده‌های الهی در استقامت و پیروزی می‌فرماید:

خدای متعال به ما وعده کرده است، فرموده است: اگر مجاهدت کنید، اگر تلاش کنید، خدای متعال شما را به مقصود می‌رساند و شما در سایه ایستادگی، به اهداف خود دست پیدا می‌کنید (سخنرانی در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۲۱).

۱. إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (آل عمران: ۱۶۰)؛ هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد! و اگر دست از یاری شما بردارد، کیست که بعد از او، شما را یاری کند؟ و مؤمنان، تنها بر خداوند باید توکل کنند!

۳. اتحاد و هم‌بستگی

وحدت، جوهره قوام و پایداری است که در پرتو آن توان استقامت مسلمانان در برابر دشمنان چندین برابر می‌شود. قرآن به مسلمانان چنین می‌فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آل عمران: ۱۰۳).

و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هرگونه وسیله وحدت)، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت [بزرگ] خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لبِ حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ [خداوند] این چنین، آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.

اتحاد موجب توانمندی و قدرت هر جامعه‌ای است و اختلاف سبب تضعیف آن؛ ازاین‌رو، خداوند متعال با یادآوری ضرورت هم‌بستگی و همدلی و لزوم مقابله با اختلاف‌های قومی و دینی، همه مسلمانان را به مقابله با اختلاف و تفرقه توصیه می‌فرماید:

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (انفال: ۴۶).

و [فرمان] خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع [و کشمکش] نکنید، تا سست نشوید، و قدرت [و شوکت] شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است!

۴. شناخت و بصیرت

معرفت و شناخت، محور همه اعمال انسان است و عکس‌العمل‌های متفاوت او بر اساس بینش و بصیرتش شکل می‌گیرد. اساسی‌ترین فایده شناخت و بصیرت، آگاهی به جایگاه حق از باطل و استقامت در راه حق است. چه بسا شاید انسان حق را از باطل تشخیص دهد ولی انگیزه‌هایی چون دنیاطلبی او را از استقامت در راه حق باز دارد. ازاین‌رو، شناخت و بصیرت در سه بُعد لازم است:

الف. خداشناسی

انسان بایستی به این بینش دست یابد که خداوند از همه چیز آگاه است و چیزی از دایره قدرت و اراده او بیرون نیست. توجه به این حقیقت و اینکه خداوند ما را در صحنه‌های آزمایش می‌بیند، عشق و شور وصف‌ناپذیری در دل انسان ایجاد می‌کند؛ به طوری که تحمل مشکلات و کمبودها را برای او آسان، و توان مقابله با آن‌ها را مضاعف می‌کند.

ب. خودشناسی

خودشناسی، مهم‌ترین عامل خوشبختی انسان در دنیا و آخرت است. که براساس روایات: هرکه خودشناس بود، خداشناس شود.^۱

بنابراین، منظور از خودشناسی این است که انسان بداند حقیقتش چیست، مبدأ و منشأش کجاست، غایت و هدفش کدام است، سعادت و کمالش در چیست و راه رسیدن به آن کدام است. کسی که خود را شناخت و ارزش روح ملکوتی‌اش را که خداوند به او عطا کرده، فهمید و دانست که قابلیت آن را دارد تا در مقام اشرف مخلوقات به جایگاهی برتر از فرشتگان برسد، هرگز در برابر سختی‌ها و مشکلات تسلیم نمی‌شود و صبرش لبریز نمی‌گردد و برای رسیدن به هدف خود استقامت و پایداری می‌ورزد.

ج. هستی‌شناسی (شناخت ماهیت دنیا)

یکی از اسباب تقویت روح ایستادگی و مقاومت در انسان، شناخت دنیا است. اگر کسی دنیا را بشناسد، نه تنها در پیشامدهای ناگوار و عرصه‌های سخت، خود را نمی‌بازد بلکه با عزمی راسخ و همتی والا در مسیر کمال و سعادت قدم بر می‌دارد و سختی‌های آن را به جان و دل می‌خرد. مسلمانان باید بدانند دنیا گذرگاهی بیش نیست و ما به فرمان خدا آمده و به سوی او رجوع خواهیم کرد. «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۵). پس کسی که ماهیت آن را شناخت، نه با کامیابی‌ها و پیروزی‌هایش سرمست می‌شود و نه با شکست‌هایش ناراحت و غمگین. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که دنیا را بشناسد، هرگز به خاطر بلا و مشکلات

۱. ان الله على كل شيء قدير (بقره: ۲۰)؛ ان الله يفعل ما يشاء (حج: ۱۸)؛ ان ربك فعّال لما يريد (هود: ۱۰۷)؛ انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون (يس: ۸۲)؛ يخلق الله ما يشاء ان الله على كل شيء قدير (نور: ۴۵).

۲. «من عرف نفسه فقد عرف ربه» (آمدی، غررالحکم و دررالکلم: ۲۳۲).

محزون نمی‌گردد» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰: ۲۷۰). خداوند دنیا را خانه گرفتاری و بلا، و آخرت را خانه جزا قرار داده و بلای دنیا را سبب پاداش آخرت و عَوْض آن معین کرده است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۴: ۱۸۷).

همچنین، دنیا و مواهب آن یکی از ابزارهای امتحان بشر است (انفال: ۲۸). دانستن اینکه دنیا فانی است و انسان آفریده شده تا با آزمایش‌های مختلف الهی وجودش را صیقل داده و مستعد زندگی جاودان شود، نیروی صبر و استقامت را در وجود انسان تقویت می‌کند. باور به اینکه فلسفه وجودی بسیاری از مصیبت‌ها و آزمایش‌ها، توانمندسازی برای رشد اوست و اینکه با شکیبایی می‌تواند به کمال برسد، از زمینه‌های مناسب تعالی و تکامل انسان است.

۵. رهبری

بی‌شک، از مهم‌ترین عوامل موفقیت هرامتی رهبری صالح و شایسته است که با علم و درایت خود، امت را به مسیر درست رهنمون شود و از مسیر اشتباه باز دارد. مشرکان راه‌های بسیاری را برای بازداشتن پیامبر ﷺ از هدفش، یا تسلیم و به سازش واداشتن ایشان پیمودند، اما تطمیع و تهدید و شکنجه و آزار، هیچ‌یک در رسول خدا مؤثر نیفتاد. (عبدالحمیدی، ۱۳۹۱: ۶۵) پیروان رسول‌الله نیز از استقامت و پایداری ایشان سرمشق گرفتند و در برابر دشمنان ایستادگی کردند.

با بررسی تاریخ زندگانی ائمه علیهم‌السلام نقش آنان در مدیریت تحول ساختاری تشیع و تبدیل جمعیتی پراکنده به سازمانی تشکل یافته و بسامان روشن می‌گردد. شیعیان نیز در پرتو رهبری آنان در مقابل حکومت ظلم و جور پایداری و استقامت کردند. واریسی کنش‌های سیاسی جریان شیعه، از آغاز شکل‌گیری تا عصر غیبت، نشان می‌دهد هر چند شیعیان در اقلیت بوده و مورد آزار و فشار حکومت‌ها قرار گرفتند، برای حفظ دین و عقاید خود هرگز تسلیم دستگاه ظلم و جور نگشتند.^۱ همین استقامت و پایداری سبب گردید شیعه همواره روحیه

۱. آقای زورق در کتاب دو حرکت در تاریخ می‌نویسد: با رحلت پیامبر ﷺ دو جریان اصلی در تاریخ اسلام پدید آمد؛ جریان اول با تبدیل امامت به خلافت و سپس خلافت به سلطنت (اموی) آغاز شد. و جریان دوم با مقاومت علی و فاطمه و سپس قیام امام حسین علیه‌السلام و سایر قیام‌های ضد ستمگران و ظالمان. روح اصلی جریان نخست، تمکین در برابر قدرت‌های حاکم برای حفظ امتیازات بود و روح اصلی جریان دوم، اعتراض به وضع موجود برای حفظ دین (زورق، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۹).

انقلابی و سازش‌ناپذیر خود را حفظ کند؛ از این رو، در سراسر تاریخ اسلام، شیعیان بیش از سایر فرقه‌ها و گروه‌های اسلامی، مبارزه و مقاومت کرده و قربانی داده‌اند و همواره پرچم ایستادگی در برابر حکومت‌های ظلم و جور را بر دوش کشیده‌اند و طوق اطاعت از ستمکاران را از گردنشان وانهادند.^۱ با همین راهبرد، شیعه، به‌عنوان یک جریان سیاسی - مذهبی فعال، به نماد مخالفت و مقاومت در برابر حکومت‌های نامشروع و مستبد بدل شده است.^۲

راهکارهای استقامت‌افزایی در جامعه اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حاکمیت طاغوت جای خود را به حاکمیت اسلام و قرآن سپرد؛ از این رو، طاغوتیان و دشمنان اسلام و ایران، برای ضربه‌زدن و نابودکردن این انقلاب خیز برداشتند و در این مسیر فشارهای متعددی را بر ضدّ جمهوری اسلامی ایران آغاز کردند؛ از فشارهای سیاسی و اقتصادی گرفته تا تهاجم فرهنگی و تهاجم نظامی. در عصر حاضر، دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران، مصمم‌تر از پیش، تمام توان و امکانات مادی و انسانی خود را برای نابودی این کشور به کار بسته‌اند؛ دنیای غرب، به سردمداری امریکا، بیشترین تحریم‌ها و فشارها را بر ضدّ ایران به کار برده است تا با افزایش سطح نارضایتی مردم، حاکمیت مشروع نظام مقدس جمهوری اسلامی را به چالش بکشد (واعظی، ۱۳۸۱: ۱۹۸). بی‌گمان در این مقطع حساس و - به فرموده مقام معظم رهبری (عجّللّه) - پیچ تاریخی، استقامت و پایداری به‌عنوان راهبردی موفقیت‌آمیز در برابر فشارها و تهاجم سیاسی، اقتصادی و حتی نظام دشمن مطرح است. همان‌گونه که انقلاب اسلامی ایران، با صبر و استقامت به پیروزی رسید، تداوم و استمرار آن نیز مشروط به استقامت و پایداری خواهد بود و تنها راه برون‌رفت از فشار دشمنان نیز ایستادگی در برابر آنان است.

۱. این حقیقتی است که حتی دانشمندان غربی نیز به آن اذعان کرده‌اند. ر.ک. تشیع، مقاومت و انقلاب (مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی دانشگاه تل‌آویو - ۱۹۸۴، ص ۳-۷).
 ۲. هاشم معروف الحسینی می‌نویسد: «شیعیان انقلابیون به هم پیوسته‌ای هستند که آرام نمی‌گیرند و سست و خسته نمی‌شوند. عقیده‌ای که شیعه امامیه بدان پایبندند، آنان را به گونه‌ای درآورده است که از انتقاد و مخالفت با حُکام ظالم خسته نشوند.» (حسنی، ۱۳۷۹: ۱۴۷)

حال، پرسش اساسی آن است که: چگونه مردم و دولتمردان را به استقامت و پایداری فرا بخوانیم؟ در ادامه به برخی راهکارها، که برگرفته از آیات و منابع دینی و سخنان گهربار حضرت امام خمینی علیه السلام و رهنمودهای مقام معظم رهبری دامنه العالی است، اشاره می‌شود.

الف. تبیین ضرورت استقامت

گام نخست برای تقویت روحیه استقامت و پایداری در جامعه، این است که اهمیت و ضرورت استقامت تبیین شود. همه باید بدانند دفاع از حق و استقامت در این مسیر، برای رسیدن به موفقیت، امری لازم است. مقام معظم رهبری دامنه العالی، که بارها بر استقامت ملت تأکید کرده و آن را امری لازم شمرده‌اند،^۱ می‌فرماید:

در قرآن، در مورد مبنای جامعه اسلامی و رسیدن به آرمان‌های بزرگ، یک نکته بسیار اساسی وجود دارد و آن مسئله استقامت کسانی است که فریاد حقیقت را سر دادند و پرچم حقیقت را بلند کردند و پای آن ایستادند. استقامت، لازم است تا انسان بتواند آرمان بزرگ را ببیند. بسیاری از آرمان‌ها جز با ایستادگی یک ملت در طول سالیان مستمر و مداوم، دست یافتنی نیست (سخنرانی در تاریخ ۱۳۸۰/۰۸/۱۰).

حضرت امام علیه السلام پایداری بر اهداف و ارزش‌های اصولی را بسیار ضروری دانسته و به ملت ایران سفارش کرده چون کوه در مقابل مشکلات بایستند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ۱۹۱-۱۹۲، ۳۱۳)؛ چراکه خداوند پشتیبان این ملت است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۱۵۰). مقام معظم رهبری دامنه العالی درباره ضرورت ایستادگی بر اصول و اهداف می‌فرماید:

در اهداف و مبانی، ملاک ما باید «فَأَسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُ» (هود: ۱۲) باشد. به هیچ وجه عدول از مبانی و عدول از ارزش‌ها جایز نیست... استقامت در روش‌ها لازم نیست، استقامت در اهداف لازم است... در زمینه اهداف، بایستی قرص و محکم بایستیم و یک قدم پایین نیاییم. (سخنرانی در تاریخ ۱۳۸۳/۶/۳۱)

ب. تبیین نتیجه روشن استقامت و تقویت باور و ایمان مردم

یکی دیگر از مهم‌ترین راهکارهای تقویت روحیه و استقامت در جامعه، تبیین نتایج روشن و درخشان استقامت است تا مردم به این باور برسند که ایستادگی در برابر دشمنان بهترین

۱. ر. ک. بیانات مقام معظم رهبری دامنه العالی پیرامون بصیرت و استقامت، ص ۷۸ و ۹۶.

راهبرد مقابله و عامل موفقیت و سربلندی است (محمدی ری شهری، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۶۵)؛ چرا که این مقاومت، دشمنان را به ستوه می‌آورد (آخوندی و دیگران، ۱۳۹۲، ج ۱: ۴۱۸) و مقدمه موفقیت و غلبه بر دشمنان است. اگر مردم به این مسئله یقین کنند، مقاومت خویش را با انگیزه بهتر داوم می‌بخشند.

مقام معظم رهبری ع در این زمینه می‌فرماید:

راه پیروزی در این چالش و رویارویی [میان نظام جمهوری اسلامی و طواغیت] همه جز ایستادگی همراه با ایمان و باور به خط و باور به راه خود نیست. باید راه را باور داشته باشیم: «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ...» (بقره: ۲۸۵)؛ یعنی آحاد مؤمنین به این راه، دست‌به‌دست هم بدهند و ایستادگی کنند؛ ایستادگی نشان بدهند. این راه پیشرفت و پیروزی است. اگر این کار را نکنند، پیروزی قطعی است. (سخنرانی در تاریخ ۱۳۵۸/۷/۱۸)

همچنین، می‌فرماید:

قرآن به ما می‌گوید: اگر به این راه و به این هدف‌ها ایمان داشته باشید و در راه این ایمان حرکت کنید، بدون شك شما پیروز هستید؛ ... این را باید ملت‌های مسلمان یاد بگیرند، این را باید ملت‌های مسلمان باور کنند. اگر باور کردند، بر پیچیده‌ترین تجهیزات نظامی و اطلاعاتی دشمن پیروز خواهند شد؛ [اما] اگر سستی کنند، اگر احساس ضعف کنند، اگر توکلشان به خدای متعال ضعیف شود، اگر به لبخند دشمن، به ترفند دشمن اعتماد کردند، یقیناً شکست خواهند خورد. (سخنرانی در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۴)

ج. تبیین پاداش استقامت‌کنندگان

عامل دیگر در تقویت روحیه استقامت و پایداری در جامعه، تبیین و تشریح پاداش استقامت‌کنندگان است. اگر مردم بدانند که صبر و پایداری باعث موفقیت است و صابران و استقامت‌کنندگان مقامی بلند و پاداشی عظیم دارند، به این مهم اهتمام بیشتری می‌ورزند. استقامت و پایداری به طور قطع، کار دشوار و بزرگی است که عاملان به آن در دنیا مورد رحمت و نصرت الهی (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۳۲) و در آخرت سزاوار هم‌نشینی با

فرشتگان و دوستی و محبت ایشان می‌شوند (سید قطب، ۱۴۱۷، ج ۵: ۳۱۲۱-۳۱۲۲). به اشاره قرآن، پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان، که بهترین بندگان خدایند، اهل استقامت هستند (نساء: ۶۹) و هرکس پیرو خدا و رسولش باشد، از استقامت‌کنندگان به‌شمار می‌آید (نساء: ۶۸-۶۹). امام علی علیه السلام استقامت و پایداری را شرط سلامت و ایمنی برمی‌شمارد (آمدی، بی‌تا، ۸۱۱۷، ۸۴۹۷، ۸۰۴۱، ۱۰۵۵۶، ۶۱۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۷: ۲۱۳) و می‌فرماید: «هرکس استقامت کند، ره به بهشت برد و هر که بلغزد، به دوزخ در افتد. (سید رضی، ۱۳۵۱: خطبه ۱۱۹) پیامبر نیز به استقامت‌کنندگان وعده رستگاری داده است (متقی هندی، بی‌تا، ۵۴۷۹).

نتیجه

استقامت و پایداری اصلی راهبردی، برگرفته از قرآن کریم، سنت و سیره پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام است که مؤمنان، به صورت فردی و گروهی، از آن بهره می‌برند تا در پرتو آن و امداد و نصرت الهی بر هواهای نفسانی، جاذبه‌های دنیا، فشارها و نقشه‌های دشمنان داخلی و خارجی به موفقیت دست یابند.

در طول تاریخ، هرگاه امت‌ها در مبارزه حق طلبانه با دشمنان، مقاومت ورزیده‌اند، موفق گشته و هرگاه گامی عقب نهادند، دشمن یک گام پیش رانده است و نتیجه‌ای جز پذیرش ذلت برای اهل حق در پی نداشته است.

مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پیروزی امت‌های استقامت‌کننده عوامل معنوی و انگیزه‌های الهی و دینی بوده است که عبارتند از: ایمان، توکل به خدا، اتحاد و هم‌بستگی، رهبری، ولایت‌مداری، شناخت و بصیرت. اگر جامعه ما در این مسیر و برای تحقق و رشد این عوامل قدم برداشت، قطعاً در برابر دشمنان استقامت و پایداری می‌کند و موفقیت ما نیز حتمی خواهد بود؛ زیرا به فرموده مقام معظم رهبری دامت‌الله: «استقامت کردن در مقابل فریب‌ها و تهدیدهای دشمن، هنر بزرگی است که اگر یک ملت این هنر را داشته باشد، آن وقت به قله می‌رسد؛ به جایی که دیگر دشمن فایده‌ای در تهدید نمی‌بیند و مجبور است با او بسازد و یا در مقابل او تسلیم شود» (سخنرانی در تاریخ ۱۳۸۵/۱/۶).

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه، دارالکتب العلمیه، قم، منشورات مکتبه آیه‌الله العظمی المرعشی النجفی.

ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۵۹). مقدمه، ترجمه محمدپروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۰۸). لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

اراکی، محسن (۱۳۹۰). سنن التطور الاجتماعی فی القرآن، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.

آخوندی، مصطفی و دیگران (۱۳۹۲). جنگ نرم در قرآن و سنت، قم، زمزم هدایت، ج ۱.

بیانات مقام معظم رهبری پیرامون بصیرت و استقامت با ضمیمه فتنه (۱۳۹۰). گردآوری و تنظیم مرکز صهبا، تهران، مؤسسه ایمان جهادی.

تقی‌زاده اکبری، علی و نویسندگان (۱۳۸۷). عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، قم، زمزم هدایت، ج ۲۱.

تهرانی، مجتبی (۱۳۹۰). دفتر پنجم پایداری، سلوک عاشورایی،

حسنی، هاشم معروف (۱۳۷۹). جنبش‌های شیعی در تاریخ اسلام، ترجمه سید محمدصادق

عارف، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی (به‌نشر).

خامنه‌ای، سیدعلی، حدیث ولایت [مجموعه رهنمودهای رهبر معظم انقلاب]، مؤسسه پژوهشی - فرهنگی انقلاب اسلامی، حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (علیه‌السلام)، ویراست دوم.

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام [مجموعه آثار حضرت امام خمینی]: (بیانات،

پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام

خمینی (علیه‌السلام).

دورانت، ویل (۱۳۸۷). لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب خویی، تهران، علمی - فرهنگی.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غرائب القرآن، بیروت، دارالعلم.

زورق، محمدحسن (۱۳۹۰). دو حرکت در تاریخ، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

سارتر، ژان پل (۱۳۵۸). اگرستانسیایسم و اصالت بشر، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران،

مروارید.

- سلیمانی، جواد (۱۳۹۲). فلسفه تاریخ، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- سید قطب (۱۴۱۷/۱۹۹۶)، فی ضلال القرآن، قاهره، دارالشرق.
- سیدرضی (۱۳۵۱)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام.
- صدر، سید رضا (بی‌تا). استقامت، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- صدر، محمدباقر (۱۳۸۹). سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه و تحقیق سیدجمال‌الدین موسوی، تهران، تفاهم.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۴). مجمع البحرین و مطلع النیرین، قم، مؤسسه البعثه.
- عبدالمحمدی، حسین (۱۳۹۱). تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و اهل بیت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- فرقانی، قدرت الله و سیدعلیار افشارپور (۱۳۸۶). مجموعه مقالات برگزیده همایش محمد پیامبر اعظم (ص)، استقامت و پایداری، تهران، پژوهشکده ارتش بیست میلیون.
- قریشی، سید علی اکبر (۱۳۷۸). قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- کارلایل، توماس (بی‌تا). زندگانی محمد، ترجمه ابوعبدالله زنجانی، تبریز، کتابفروشی سروش.
- کافی، مجید (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی تاریخی (مبانی، مفاهیم و نظریه‌ها)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کریمی، حسین (۱۳۶۱). فلسفه تاریخ، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی شریف.
- مارکس، کارل (۱۳۸۶). سرمایه، نقدی بر اقتصاد سیاسی، ترجمه حسن مرتضوی، تهران، آگاه.
- متقی هندی، حسام‌الدین (بی‌تا). کنز العمال، تحقیق شیخ بکری، بیروت، مؤسسه الرساله.
- مجتهدی، کریم (۱۳۸۵). فلسفه تاریخ، تهران، سروش.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۸). میزان الحکمه، تهران، دارالحديث.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). فلسفه تاریخ، قم، صدرا.

- مفتخری، حسین (۱۳۹۰). مبانی علم تاریخ، تهران، سمت.
- مونتسکیو (بی تا). روح القوانين، ترجمه علی اکبر مهتدی، تهران، چاپخانه مجلس.
- واعظی، حسن (۱۳۸۱). استراتژی سلطه: تهدیدات، راهبردها، رسالت روشن فکران (آینده ایران)، تهران، سروش.
- هیپولیت، ژان (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ هگل، ترجمه باقر پرهام، تهران، آگاه.
- هگل، گئورگ ویلهلم فردریش (۱۳۳۶). عقل در تاریخ، ترجمه حمید عنایت، تهران، مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.